

انحرافات رفتاری دانش‌آموزان در ایران: یک تحلیل لایه‌ای علی از نقش خانواده و مدرسه در عصر فضای مجازی

چکیده

در عصر دیجیتال، انحرافات رفتاری دانش‌آموزان ایرانی - شامل اعتیاد به فضای مجازی، پرخاشگری سایبری، افت تحصیلی و کاهش ارتباطات واقعی - به چالشی عمده برای نهادهای خانواده و مدرسه تبدیل شده است. این پژوهش با هدف تحلیل لایه‌ای نقش خانواده و مدرسه در بروز و تعدیل این انحرافات، از رویکرد کیفی تحلیل لایه‌ای علی (CLA) بهره گرفته است که امکان کاوش چهارلایه‌ای مسئله (لیتانی، علل نظام‌مند، جهان‌بینی و اسطوره/استعاره) را فراهم می‌کند و فراتر از تحلیل‌های سطحی پیشین، به ریشه‌های ساختاری، گفتمانی و اسطوره‌ای می‌پردازد. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با 32 مشارکت‌کننده از شهر همدان بود. نمونه‌گیری هدفمند با تأکید بر تنوع نقش‌ها انجام شد و اشباع نظری به عنوان معیار کفایت نمونه در نظر گرفته شد. تحلیل داده‌ها بر اساس چهار لایه CLA صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که در لایه لیتانی، گفتمان عمومی پر از اضطراب و داورانه است؛ در لایه علل نظام‌مند، ضعف نظارت خانوادگی و ناکارآمدی مدرسه برجسته است؛ در لایه جهان‌بینی، تقابل گفتمان سنتی ایرانی-اسلامی با گفتمان دیجیتال فردگرا آشکار شد؛ و در لایه اسطوره، استعاره‌هایی مانند «قربانی طوفان دیجیتال»، «نگهبان خسته» (خانواده) و «قلعه منزوی» (مدرسه) باورهای ناخودآگاه را نمایان ساخت. سه سناریوی آینده ترسیم شد: تداوم بحران (تاریک)، تطابق حداقلی (خاکستری) و تحول مثبت (مطلوب) از طریق بازسازی گفتمان و توانمندسازی نهادی. نتیجه‌گیری تأکید دارد که تقویت نقش خانواده و مدرسه از طریق آموزش سواد رسانه‌ای، برنامه‌های مشارکتی و سیاست‌گذاری ملی، امکان کاهش انحرافات و بهره‌برداری مثبت از فضای مجازی را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: انحرافات رفتاری، فضای مجازی، تحلیل لایه‌ای علی، خانواده، مدرسه

بیان مسئله

در عصر دیجیتال معاصر، گسترش فراگیر فناوری‌های ارتباطی و فضای مجازی، تحولات بنیادینی در الگوهای رفتاری، اجتماعی و روانشناختی نسل جوان، به ویژه دانش‌آموزان، ایجاد کرده است. انحرافات رفتاری دانش‌آموزان در فضای مجازی، که شامل پدیده‌هایی مانند اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، پرخاشگری سایبری، افت تحصیلی، کاهش تعاملات واقعی خانوادگی، مواجهه با محتوای نامناسب، بحران هویت و گرایش به رفتارهای پرخطر دیجیتال می‌شود، به یکی از چالش‌های اصلی نظام‌های آموزشی و خانوادگی در جوامع در حال توسعه، از جمله ایران، تبدیل شده است. این انحرافات نه تنها سلامت روانی و جسمانی فرد را تهدید می‌کنند، بلکه پایداری ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و ارزشی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند و می‌توانند به پدیده‌های گسترده‌تری مانند کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش اختلالات روانشناختی منجر شوند.

با شیوع همه‌گیری کووید-19 و انتقال اجباری و ناگهانی آموزش به بسترهای مجازی، استفاده از فضای دیجیتال در میان دانش‌آموزان ایرانی به طور چشمگیری افزایش یافت و این تغییر اجباری، بدون زیرساخت‌های کافی فرهنگی و آموزشی، آسیب‌های متعددی به همراه داشت. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این کوچ رسانه‌ای منجر به افزایش اختلالات جسمانی (مانند مشکلات بینایی و ستون فقرات)، روانشناختی (اضطراب، افسردگی و استرس) و رفتاری (پرخاشگری و انزوا) شده است (حمیدانی و احمدنژادکنگی، 1398؛ صالحی منطری، 1401). مطالعات اخیر تأکید دارند که اعتیاد به فضای مجازی با عوامل روانشناختی مانند آشفتگی درونی¹، تنهایی، اضطراب اجتماعی و اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت دارد و می‌تواند پیش‌بینی‌کننده قوی انحرافات سایبری باشد (عبادی و همکاران، 1400؛ رضایی و همکاران²، 2023). همچنین، کاربرد مشکل‌زا از شبکه‌های اجتماعی³ در نوجوانان ایرانی با کاهش حمایت اجتماعی ادراک‌شده، عزت نفس پایین و جستجوی هیجان مرتبط است (رضایی و همکاران، 2023). فضای مجازی فرصت‌های آموزشی و ارتباطی گسترده‌ای فراهم کرده، اما در عین حال زمینه بروز انحرافات رفتاری و آسیب‌های اجتماعی در میان دانش‌آموزان را نیز افزایش داده است. خانواده و مدرسه اگر نتوانند نقش نظارتی و حمایتی خود را به‌درستی ایفا کنند، احتمال بروز مشکلاتی مانند اعتیاد به اینترنت، کاهش سلامت روان، و ضعف در روابط اجتماعی بیشتر می‌شود (خسروی و علیزاده صحرانی، 1390).

در سطح جهانی، تحقیقات بر تحول روابط همسالان در بستر رسانه‌های اجتماعی تمرکز کرده‌اند و نشان می‌دهند که ویژگی‌های تحول‌آفرین⁴ فضای مجازی می‌تواند تجربیات اجتماعی را دگرگون کند و به انحرافات سایبری⁵ منجر شود (نسی و همکاران⁶؛ لوزانو و همکاران⁷، 2021). در ایران، پژوهش‌ها بر نقش نهادهای کلیدی مانند خانواده و مدرسه در

¹. internalizing symptoms

². Rezaei et al

³. Problematic Social Media Use

⁴. transformative

⁵. deviance cyber

⁶. Nesi et al

⁷. Lozano et al

تعدیل این انحرافات تأکید دارند؛ ضعف نظارت والدین، کاهش کارکرد مدرسه در دوران مجازی، نفوذ محتوای غیراخلاقی و تضعیف عملکرد خانواده از عوامل ساختاری برجسته هستند (شیخی، 1402؛ جابری و همکاران، 1402؛ چگینی و همکاران¹، 2022). علاوه بر این، سبک‌های فرزندپروری، عملکرد خانوادگی و سواد رسانه‌ای والدین در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند (رحیمی²، 2024؛ استوار و همکاران³، 2019).

پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر لایه‌های سطحی مسئله، مانند آمار شیوع اعتیاد به اینترنت، پرخاشگری سایبری یا افت تحصیلی، متمرکز بوده‌اند و از رویکردهای تک‌بعدی مانند تحلیل همبستگی یا توصیفی بهره برده‌اند (صالحی منطری، 1401؛ عفت پناه و همکاران⁴، 2020). این مطالعات، هرچند ارزشمند، اغلب فاقد کاوش عمیق در علل ساختاری (مانند تغییرات خانوادگی و آموزشی)، گفتمانی (تضاد ارزشی) و اسطوره‌ای (باورهای ناخودآگاه) هستند. تحقیقات بین‌المللی نیز بر انحرافات دیجیتال در نوجوانان یا تأثیر دیجیتال‌سازی بر رفتار اجتماعی تأکید دارند (رودیونووا و شواچکینا⁵، 2020؛ رانی و همکاران⁶، 2023). اما کمتر به زمینه فرهنگی-تاریخی خاص ایران – مانند تقابل بین ارزش‌های سنتی ایرانی-اسلامی (جمع‌گرایی، نظارت خانوادگی) و گفتمان فردگرایانه دیجیتال – پرداخته‌اند. در سطح جهانی و داخلی، تحقیقات نشان می‌دهد که سواد رسانه‌ای والدین و معلمان نقش کلیدی در کاهش اعتیاد به فضای مجازی و انحرافات مرتبط دارد (فرقانی و خدامرادی، 1398). ضعف در سواد رسانه‌ای، نظارت خانوادگی و مدرسه‌ای را ناکارآمد می‌سازد و دانش‌آموزان را در برابر محتوای مخرب و استفاده افراطی آسیب‌پذیر می‌کند و عملکرد ضعیف خانواده – مانند کمبود حمایت عاطفی و نظارت مؤثر – پیش‌بینی‌کننده قوی اعتیاد به اینترنت و رفتارهای انحرافی است. این عوامل ساختاری، همراه با تغییرات سریع دیجیتال در ایران، انحرافات را تشدید کرده و نیاز به مداخلات ریشه‌ای را برجسته می‌سازد (خانجانی و همکاران، 1396).

وجوه تمایز پژوهش حاضر در بهره‌گیری از رویکرد تحلیل لایه‌ای علی⁷، که توسط سهیل عنایت‌الله توسعه یافته، نهفته است. این رویکرد پس‌اساختارگرا، امکان تحلیل چندلایه‌ای و تحول‌آفرین مسئله را فراهم می‌کند و فراتر از علائم سطحی، به ریشه‌های عمیق اجتماعی، فرهنگی و اسطوره‌ای می‌پردازد. تحلیل لایه‌ای علی پیشتر در تحلیل مسائل اجتماعی ایران، مانند کاهش نرخ رشد جمعیت، خودکشی یا روابط رسانه و سیاست، با موفقیت به کار رفته و امکان ساخت سناریوهای آینده و راهکارهای ریشه‌ای را فراهم کرده است (جهانگیری و فتحی⁸، 2017؛ رستمی و همکاران⁹، 2019؛ مهرالهی و همکاران¹⁰، 2017). با توجه به نفوذ بالای اینترنت در ایران (بیش از 80 درصد جمعیت تا سال 2023) و افزایش

¹. Chegeni et al

². Rahimi

³. Ostovar et al

⁴. Effatpanah et al

⁵. Rodionova & Shvachkina

⁶. Raney et al

⁷. Causal Layered Analysis

⁸. Jahangiri & Fattahi

⁹. Rostami et al

¹⁰. Mehrolhassani et al

آسیب‌های مرتبط در دانش‌آموزان، این پژوهش می‌تواند مبنایی علمی برای سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه و تحول‌آفرین فراهم کند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل لایه‌های نقش خانواده و مدرسه در انحرافات رفتاری دانش‌آموزان ایرانی در عصر فضای مجازی است، با تأکید بر شناسایی لایه‌های علل پنهان، ساخت سناریوهای آینده و پیشنهاد راهکارهای سیاستی ریشه‌ای برای دستیابی به آینده‌ای مطلوب.

سؤالات تحقیق:

1- انحرافات رفتاری شایع دانش‌آموزان ایرانی در فضای مجازی کدامند و الگوهای آماری و پدیدارشناختی مرتبط چگونه است؟

2. نقش ساختارهای خانوادگی (نظارت والدین، سبک‌های فرزندپروری، عملکرد خانواده) و مدرسه (آموزش سواد رسانه‌ای، نقش حمایتی در دوران مجازی) در بروز و تشدید این انحرافات چیست؟

3. چه تضادهایی بین گفتمان‌های سنتی ایرانی-اسلامی (جمع‌گرایی، ارزش‌های خانوادگی و اخلاقی) و گفتمان دیجیتال مدرن (فردگرایی، آزادی بی‌حد، مصرف‌گرایی) در شکل‌گیری انحرافات رفتاری دانش‌آموزان وجود دارد؟

4. چه باورها، استعاره‌ها و اسطوره‌های غالب (مانند «فضای مجازی به عنوان پناهگاه از واقعیت» یا «تکنولوژی به عنوان نجات‌دهنده مطلق») بر رفتار دانش‌آموزان، خانواده‌ها و مدارس تأثیر می‌گذارد و چگونه این لایه‌های ناخودآگاه را می‌توان تحول بخشید؟

5. بر اساس تحلیل لایه‌ای، چه سناریوهای آینده‌ای (مانند تداوم وضعیت موجود، بدتر شدن یا تحول مثبت) برای انحرافات رفتاری دانش‌آموزان ممکن است و چگونه تقویت نقش خانواده و مدرسه می‌تواند به سناریوی مطلوب (کاهش انحرافات و بهره‌برداری مثبت از فضای مجازی) منجر شود؟

این سؤالات، با پوشش جامع لایه‌های علی، امکان تبیین راهکارهای عملی مانند برنامه‌های آموزشی مشترک خانواده-مدرسه، سیاست‌گذاری ملی سواد رسانه‌ای، تقویت حمایت‌های روانشناختی و بازسازی گفتمان فرهنگی را فراهم می‌کنند.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق در حوزه انحرافات رفتاری دانش‌آموزان در عصر فضای مجازی، به ویژه در ایران، نشان‌دهنده رشد سریع مطالعات مرتبط با اعتیاد به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، پرخاشگری سایبری، افت تحصیلی و مشکلات سلامت روانی است. این مطالعات را می‌توان به صورت موضوعی در دو دسته طبقه‌بندی کرد: مطالعات داخلی در ایران و مطالعات خارجی.

مطالعات داخلی

در ایران، پژوهش‌های اخیر عمدتاً بر شیوع اعتیاد به فضای مجازی و اثرات آن بر رفتار و عملکرد دانش‌آموزان تمرکز کرده‌اند. صالحی منطری (1401) در پژوهشی بر روی دانش‌آموزان، نشان داد که اعتیاد به فضای مجازی با افت تحصیلی،

تغییرات رفتاری منفی (مانند پرخاشگری) و مشکلات سلامت روانشناختی رابطه مثبت دارد. این مطالعه تأکید می‌کند که استفاده افراطی منجر به کاهش تمرکز و انگیزه تحصیلی می‌شود. شیخی (1402) آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان در فضای مجازی را بررسی کرد و کاهش ارتباطات خانوادگی، افت تحصیلی و پرخاشگری را به عنوان اولویت‌های اصلی شناسایی نمود. جابری و همکاران (1402) نیز مخاطرات اعتیاد به فضای مجازی برای جامعه را برجسته کردند و آن را با رفتارهای پرخطر و انزوا مرتبط دانستند. هارسج و همکاران² (2021) رابطه اعتیاد به اینترنت با عملکرد خانواده در دانش‌آموزان دبیرستانی در شهر رشت را بررسی کردند و ضعف روابط خانوادگی را عامل کلیدی دانستند و عواملی مانند درآمد خانواده، شغل پدر و میزان ساعات استفاده روزانه از اینترنت، نقش مهمی در شدت اعتیاد داشتند. در مجموع، این تحقیق تأکید می‌کند که کیفیت روابط خانوادگی و کارکرد سالم خانواده، نقش کلیدی در پیشگیری از اعتیاد اینترنتی نوجوانان دارد.

عبادی و همکاران (1400) نقش ازخودبیگانگی تحصیلی و آسفتگی روانشناختی را در پیش‌بینی اعتیاد به فضای مجازی در دانش‌آموزان بررسی کردند و رابطه مثبت معنادار یافتند. حمیدانی و احمدنژادکنگی (1398) تأثیر آسیب‌های فضای مجازی بر سلامت روانی دانش‌آموزان را تحلیل کردند و اضطراب، افسردگی و اختلالات خواب را از عواقب اصلی برشمردند. همچنین، پژوهش‌های کیفی مانند لبنی و همکاران (2022) فرصت‌ها و تهدیدهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دختران نوجوان ایرانی را شناسایی کردند و تهدیدهایی مانند رفتارهای پرخطر جنسی، کاهش تعاملات واقعی و مشکلات هویتی را برجسته ساختند.

در دوران همه‌گیری کووید-19، مطالعات نشان‌دهنده افزایش شیوع کاربرد مشکل‌زا از شبکه‌های اجتماعی بودند. رضایی و همکاران (2023) عوامل خطر و حفاظتی در نوجوانان ایرانی را با استفاده از تحلیل پروفایل نهفته بررسی کردند و گروه‌های پرخطر را با عوامل مانند جستجوی هیجان، اضطراب اجتماعی و تنهایی مرتبط دانستند. مطالعات اخیر مانند اکبری و همکاران (2023) عوامل خطر کاربرد مشکل‌زا از شبکه‌های اجتماعی در نوجوانان ایرانی را با تحلیل پروفایل نهفته بررسی کردند و گروه‌های پرخطر را شناسایی نمودند. همچنین، چگینی و همکاران (2022) شیوع و انگیزه‌های استفاده از رسانه‌های اجتماعی در جمعیت ایرانی را گزارش کردند و مشکلات جسمانی مانند سردرد و اختلال خواب را شایع دانستند.

مطالعات خارجی

در سطح بین‌المللی، پژوهش‌ها بر انحرافات سایبری و کاربرد مشکل‌زا از شبکه‌های اجتماعی تمرکز دارند. لوزانو و همکاران (2021) در مرور سیستماتیک بر انحرافات نوجوانان و سایبری، عوامل پیش‌بینی‌کننده مانند الگوهای خانوادگی، قربانی‌سازی و عوامل فردی را شناسایی کردند. همچنین نسی و همکاران (2018) تحول روابط همسالان در بستر

². Harsej et al

رسانه‌های اجتماعی را بررسی کردند و نشان دادند که ویژگی‌های دیجیتال می‌تواند به رفتارهای انحرافی سایبری منجر شود.

بوئر و همکاران¹ (2020) در مطالعه‌ای بر روی نوجوانان در 29 کشور، استفاده شدید و مشکل‌زا از رسانه‌های اجتماعی را با رفاه پایین مرتبط دانستند و تأکید کردند که کاربرد مشکل‌زا (نه صرفاً شدید) پیش‌بینی‌کننده قوی‌تر مشکلات رفتاری است.

در سطح جهانی، اوردیس² (2016) در مطالعه‌ای چندملیتی، نقش خانواده، مدرسه و محله در انحرافات سایبری نوجوانان را بررسی کرد و نظارت والدین و پیوند مدرسه را عوامل حفاظتی دانست. لی³ (2018) با استفاده از نمونه‌ای از نوجوانان کره جنوبی، عوامل مرتبط با **انحرافات سایبری** (مانند دزدی نرم‌افزار، هک، و آزار آنلاین) را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که **خودکنترلی پایین** و **ارتباط با همسالان منحرف** از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت در این رفتارها هستند. همچنین مدت زمان صرف‌شده در فعالیت‌های آنلاین با احتمال درگیر شدن در انحرافات سایبری رابطه دارد، اما توضیح انحرافات سایبری در دانش‌آموزان را با تمرکز بر خودکنترلی پایین و انجمن با همسالان انحرافی مرتبط کرد.

این مطالعات نشان می‌دهند که ضعف نظارت خانوادگی، کاهش نقش مدرسه در دوران مجازی و عوامل فردی مانند خودکنترلی پایین، پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی هستند. با این حال، بیشتر پژوهش‌ها از رویکردهای تک‌لایه‌ای (مانند همبستگی یا توصیفی) استفاده کرده‌اند و کمتر به لایه‌های عمیق‌تر علل (ساختاری، گفتمانی و اسطوره‌ای) پرداخته‌اند. پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر جنبه‌های سطحی مانند شیوع اعتیاد یا روابط همبستگی تمرکز داشته‌اند و از روش‌های کمی یا کیفی تک‌بعدی بهره برده‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل لایه‌ای علی، امکان تحلیل چندلایه‌ای (لیتانی، علل نظام‌مند، جهان‌بینی و اسطوره/استعاره) نقش خانواده و مدرسه را فراهم می‌کند. این رویکرد، که پیشتر در مسائل اجتماعی ایران به کار رفته، فراتر از علائم سطحی رفته و به ساخت سناریوهای آینده و راهکارهای تحول‌آفرین می‌پردازد، که در مطالعات پیشین کمتر دیده می‌شود.

مبانی نظری

انحرافات رفتاری دانش‌آموزان در عصر فضای مجازی، به عنوان یک پدیده اجتماعی-روانشناختی پیچیده و چندبعدی، نتیجه تعاملات پویا و متقابل عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی، فرهنگی و تکنولوژیکی است. این انحرافات، که شامل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، پرخاشگری سایبری، افت تحصیلی، کاهش تعاملات واقعی اجتماعی، بحران هویت و گرایش به رفتارهای پرخطر دیجیتال می‌شوند، در دوران نوجوانی که مرحله حساسی از رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی

¹. Boer et al

². Urdis

³. Lee

است، شدت بیشتری می‌یابند. نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا¹ (1977) یکی از پایه‌های کلاسیک و محوری برای تبیین این پدیده است. بر اساس این نظریه، رفتارها عمدتاً از طریق فرآیندهای مشاهده، تقلید و تقویت آموخته می‌شوند. در فضای مجازی، دانش‌آموزان به طور مداوم در معرض مدل‌های رفتاری متنوعی قرار می‌گیرند - از محتوای تولیدشده توسط همسالان گرفته تا چهره‌های تأثیرگذار² - که رفتارهای انحرافی مانند پرخاشگری آنلاین یا اشتراک‌گذاری محتوای نامناسب را تقویت می‌کنند. تقویت‌های فوری دیجیتال، مانند لایک، کامنت و اشتراک‌گذاری، نقش پاداش‌های اجتماعی را ایفا کرده و چرخه یادگیری انحرافات را تسریع می‌نمایند. این مکانیسم‌ها در نوجوانی، که حساسیت به تأیید اجتماعی بالاست، اثرات عمیق‌تری دارند و می‌توانند الگوهای پایدار رفتاری ایجاد کنند.

در کنار نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه کنترل اجتماعی³ تراویس هیرشی⁴ (1969) توضیح مکملی ارائه می‌دهد و تأکید دارد که انحرافات زمانی رخ می‌دهند که پیوندهای اجتماعی فرد با نهادهای اصلی جامعه - مانند خانواده و مدرسه - ضعیف شود. این پیوندها شامل دلبستگی عاطفی، تعهد به اهداف مشترک، درگیری در فعالیت‌های سازنده و باور به ارزش‌های اجتماعی هستند. در عصر دیجیتال، کاهش تعاملات واقعی خانوادگی و مدرسه‌ای (به دلیل غوطه‌وری در فضای مجازی) این پیوندها را تضعیف کرده و کنترل درونی را کاهش می‌دهد، که نتیجه آن افزایش ریسک رفتارهای انحرافی سایبری است. پژوهش‌های معاصر این نظریه را در زمینه دیجیتال گسترش داده‌اند و نشان می‌دهند که ضعف نظارت والدینی و روابط مدرسه‌ای، پیش‌بینی‌کننده قوی انحرافات آنلاین است.

نظریه‌های نوین‌تر، مانند مدل تحول روابط همسالان در بستر رسانه‌های اجتماعی که توسط نسی و همکاران (2018) پیشنهاد شده، بر ویژگی‌های منحصربه‌فرد فضای مجازی تمرکز دارند. این مدل توضیح می‌دهد که عناصری مانند دسترسی همیشگی، تقویت فوری، مقایسه اجتماعی مداوم و ناشناس بودن نسبی، روابط همسالان را دگرگون کرده و تجربیات نوجوانی را به سمت رفتارهای پرخطر سوق می‌دهند. این تحولات، همراه با مدل دوسیستمی رشد مغز در نوجوانی استینبرگ¹ (2010)، که حساسیت بالای سیستم پاداش (به پاداش‌های اجتماعی دیجیتال) را در برابر توسعه ناکامل سیستم کنترل شناختی برجسته می‌سازد، مکانیسم‌های نوروبیولوژیکی انحرافات را تبیین می‌کنند. در نتیجه، نوجوانان بیشتر به سمت کاربرد مشکل‌زا از شبکه‌های اجتماعی گرایش می‌یابند، که با علائمی مانند اضطراب اجتماعی، تنهایی، جستجوی هیجان و اختلالات درونی‌سازی همراه است (رضایی و همکاران⁵، 2023). در زمینه‌های فرهنگی خاص مانند ایران، این پدیده با لایه‌های اضافی پیچیدگی همراه است؛ مطالعات نشان می‌دهند که تضاد بین ارزش‌های سنتی خانوادگی و جذابیت‌های فردگرایانه دیجیتال، ریسک PSMU را افزایش می‌دهد و نقش حمایت عاطفی خانواده را به عنوان عامل حفاظتی کلیدی برجسته می‌سازد (چگینی و همکاران، 2022).

¹ . Bandura

² . Influencer

³ . Social Control

⁴ . Hirschi

⁵ . Rezaei et al

نظریه سیستم‌های اکولوژیکی یوری برونفنبرنر^۱ (2005) چارچوبی جامع و چندسطحی برای درک نقش نهادهای کلیدی مانند خانواده و مدرسه فراهم می‌کند. این نظریه رفتار فرد را نتیجه تعاملات پویا در سطوح مختلف اکولوژیکی می‌داند: میکروسیستم (تعاملات مستقیم خانوادگی و مدرسه‌ای)، مزوسیستم (ارتباطات بین خانواده و مدرسه)، اکروسیستم (عوامل خارجی مانند سیاست‌های آموزشی) و ماکروسیستم (فرهنگ کلی جامعه و دیجیتال‌سازی). در این چارچوب، خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین میکروسیستم، از طریق نظارت، حمایت عاطفی و الگوسازی، رفتار دانش‌آموز را شکل می‌دهد، در حالی که مدرسه با ارائه ساختار، روابط حمایتی معلم-دانش‌آموز و برنامه‌های آموزشی، نقش مکمل ایفا می‌کند. پژوهش‌های اخیر تأکید دارند که نظارت والدینی مؤثر (مانند بحث باز در مورد محتوای دیجیتال) و برنامه‌های مدرسه‌محور مبتنی بر سواد رسانه‌ای، ریسک اعتیاد به اینترنت و انحرافات سایبری را به طور معنادار کاهش می‌دهند (اوردیس، 2016؛ ترووالا و همکاران^۲، 2019). در جوامع در حال گذار مانند ایران، تغییرات سریع دیجیتال‌سازی مزوسیستم خانواده-مدرسه را مختل کرده و ضعف در این تعاملات، انحرافات را تشدید می‌نماید (استوار و همکاران، 2019). همچنین، رویکردهای نوین مانند نظریه تعامل مشکل‌دار رسانه‌ای در نوجوانی (دموف و همکاران^۳، 2019) بر اهمیت مداخلات مشترک تأکید دارند و نشان می‌دهند که برنامه‌های آموزشی خانوادگی-مدرسه‌ای، اثربخشی بالاتری در پیشگیری و تعدیل ریسک‌ها نسبت به رویکردهای منفرد دارند (وانگ و ژانگ^۴، 2025).

با وجود غنای این نظریه‌ها، بسیاری از آن‌ها به لایه‌های سطحی یا ساختاری مسئله محدود می‌مانند و کمتر به ریشه‌های عمیق‌تر گفتمانی، فرهنگی و اسطوره‌ای می‌پردازند، که در جوامع چندفرهنگی و در حال تحول مانند ایران حیاتی هستند. رویکرد تحلیل لایه‌ای علی، به عنوان یک چارچوب پست‌ساختارگرا و تحول‌آفرین، این خلأ را پر می‌کند. تحلیل لایه‌ای علی با ریشه در پسا ساختارگرایی فوکویی و نظریه‌های انتقادی پسااستعماری، واقعیت اجتماعی را لایه‌دار می‌بیند و امکان کاوش عمیق‌تر فراتر از علائم ظاهری را فراهم می‌نماید. این رویکرد نه تنها توضیح‌دهنده است، بلکه با تمرکز بر تحول گفتمان‌ها و باورهای عمیق، فضایی برای ساخت آینده‌های جایگزین ایجاد می‌کند. در زمینه انحرافات دیجیتال، این روش امکان تحلیل تضادهای فرهنگی در جوامع در حال دیجیتال‌سازی را می‌دهد، جایی که گفتمان‌های سنتی (جمع‌گرایی و ارزش‌های خانوادگی) با گفتمان‌های مدرن دیجیتال (فردگرایی و مصرف‌گرایی) برخورد می‌کنند (رودینووا و شواچکینا^۵، 2020). کاربردهای موفق تحلیل لایه‌ای علی در مسائل اجتماعی مشابه در ایران، مانند تحلیل علل کاهش نرخ رشد جمعیت یا خودکشی، توانایی و قوت آن را در شناسایی لایه‌های پنهان و پیشنهاد راهکارهای ریشه‌ای نشان داده است (مهرالحسنی، 2019؛ رستمی و همکاران، 2020).

چارچوب مفهومی این پژوهش بر پایه ادغام نظریه‌های یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی، تحول روابط همسالان دیجیتال، مدل دوسیستمی رشد مغز و سیستم‌های اکولوژیکی با رویکرد CLA بنا نهاده شده است. این مدل یکپارچه،

^۱. Bronfenbrenner

^۲. Throuvala et al

^۳. Domoff et al

^۴. Wang & Zhang

^۵. Rodionova & Shvachkina

نقش محوری خانواده و مدرسه را به عنوان نهادهای تعدیل‌کننده انحرافات رفتاری دانش‌آموزان در عصر فضای مجازی برجسته می‌سازد. با بهره‌گیری از تحلیل لایه‌ای علی، این چارچوب امکان تحلیل چندلایه‌ای مسئله را فراهم می‌کند: از شناسایی علائم سطحی و الگوهای رفتاری شایع، تا کاوش ساختارهای خانوادگی و آموزشی، تحلیل تضادهای گفتمانی فرهنگی در جامعه ایرانی، و در نهایت تحول باورهای عمیق و اسطوره‌ای که رفتارها را شکل می‌دهند. این مدل نه تنها وضعیت موجود را تبیین می‌نماید، بلکه با ساخت سناریوهای آینده ممکن – مانند تداوم انحرافات در غیاب مداخله، تشدید مشکلات با گسترش دیجیتال‌سازی بدون کنترل، یا دستیابی به تحول مثبت از طریق تقویت نظارت خانوادگی، آموزش سواد رسانه‌ای مدرسه‌ای و بازسازی گفتمان فرهنگی – راهکارهای سیاستی عملی و تحول‌آفرین پیشنهاد می‌دهد.

روش‌شناسی

این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علی انجام شده است؛ روشی که نخستین بار توسط سهیل عنایت‌الله در سال 2004 معرفی گردید. تحلیل لایه‌ای علی به‌عنوان یک رویکرد پست‌ساختارگرا و تحول‌آفرین، امکان بررسی چندسطحی مسائل اجتماعی را فراهم می‌آورد و به‌ویژه برای تحلیل پدیده‌های پیچیده و چندبعدی همچون انحرافات رفتاری دانش‌آموزان در عصر دیجیتال، رویکردی مناسب و کارآمد محسوب می‌شود زیرا فراتر از علائم سطحی رفته و لایه‌های ساختاری، گفتمانی و اسطوره‌ای را کاوش می‌کند (بیشاپ و دزیدیک¹، 2014؛ مهراله‌حسینی و همکاران²، 2019). این روش در مطالعات اجتماعی و آموزشی ایران و جهان، مانند تحلیل مسائل جمعیتی، خودکشی یا آموزش، با موفقیت به کار رفته و امکان ساخت سناریوهای آینده را فراهم می‌آورد (رستمی و همکاران³، 2020؛ جهانگیری و فتاحی⁴، 2017). برخلاف روش‌های کمی یا توصیفی تک‌لایه‌ای، تحلیل لایه‌ای علی چندلایه‌ای است و با ترکیب مرور ادبیات، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل کیفی، عمق بیشتری به یافته‌ها می‌بخشد.

فرایند انجام پژوهش به صورت ترکیبی و مرحله‌ای بوده است. ابتدا، مرور گسترده ادبیات داخلی و خارجی (از جمله گزارش‌های آماری آموزش و پرورش و مطالعات روانشناختی) برای شناسایی لایه لیتانی (علائم سطحی مانند آمار اعتیاد به فضای مجازی و پرخاشگری) انجام شد. سپس، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مشارکت‌کنندگان برای کاوش لایه‌های عمیق‌تر (علل نظام‌مند، جهان‌بینی و اسطوره/استعاره) صورت گرفت. در مرحله بعدی، داده‌ها بر اساس چهار لایه CLA کدگذاری و تحلیل شدند. نهایتاً، سناریوهای آینده بر اساس یافته‌ها ساخته شد. این فرایند در چارچوب اخلاق پژوهشی (کسب رضایت آگاهانه و حفظ محرمانگی) اجرا گردید.

¹. Bishop & Dzidic

². Mehrolhassani et al

³. Rostami et al

⁴. Jahangiri & Fattahi

حجم نمونه: مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل 32 نفر بودند که برای رسیدن به اشباع نظری¹ در مطالعات کیفی کافی است (مالترود و همکاران²، 2016؛ ساندرز و همکاران³، 2018). بر این اساس جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که اطلاعات جدید تکراری نشده و هیچ مفهوم یا الگوی تازه‌ای از مصاحبه‌ها استخراج نشود.

مشارکت‌کنندگان از شهر همدان انتخاب شدند، اما تحلیل در سطح گفتمان‌ها و الگوهای اجتماعی و بافت‌های فرهنگی رایج در ایران صورت گرفته است تا تعمیم‌پذیری به زمینه ملی فراهم شود.

روش نمونه‌گیری: از نمونه‌گیری هدفمند⁴ با معیارهای تنوع نقش (والدین، معلمان، مشاوران مدرسه و دانش‌آموزان) و تجربه مستقیم با مسئله (مانند مواجهه با انحرافات دیجیتال) استفاده شد. این روش امکان دسترسی به دیدگاه‌های چندگانه ذی‌نفعان را فراهم کرد و با طبیعت چندلایه تحلیل لایه‌ای علی همخوانی دارد (بیشاپ و دزیدیک، 2014). برای پوشش جامع نقش خانواده و مدرسه، گروه‌های زیر انتخاب شدند:

در این پژوهش، داده‌ها از گروهی متشکل از 10 والد شامل 5 مادر و 5 پدر دانش‌آموزان متوسطه که تجربه نظارت بر استفاده دیجیتال فرزندان داشتند، گردآوری شد. همچنین 8 معلم از رشته‌های مختلف با سابقه آموزش در دوران مجازی، 7 مشاور مدرسه با تخصص در مسائل روان‌شناختی و رفتاری دانش‌آموزان، و 7 دانش‌آموز از پایه‌های متوسطه اول و دوم با تجربه استفاده گسترده از فضای مجازی در مطالعه مشارکت داشتند. این ترکیب نمونه، امکان بررسی و مقایسه دیدگاه‌های مستقیم خانواده، مدرسه و خود دانش‌آموزان را فراهم ساخت و زمینه تحلیل چندبعدی مسئله را مهیا کرد.

ابزار اصلی، روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که سؤالاتی باز برای هر لایه تحلیل طراحی شد (مانند «انحرافات رایج دانش‌آموزان در فضای مجازی چیست؟» برای لیتانی؛ «نقش نظارت خانوادگی و مدرسه چگونه است؟» برای علل نظام‌مند. مصاحبه‌ها ضبط و پیاده‌سازی شدند. همچنین، از مرور اسنادی (گزارش‌ها و مطالعات پیشین) برای تکمیل داده‌ها استفاده گردید.

برای روایی⁵، از ترکیب مصاحبه، ادبیات و گزارش‌های آماری⁶ و بازگرداندن خلاصه مصاحبه‌ها به مشارکت‌کنندگان برای تأیید⁷ بهره گرفته شد. پایایی⁸ از طریق کدگذاری مستقل توسط دو پژوهشگر و محاسبه توافق بین‌کدگذاران (با ضریب کاپا بالای 0.85) تأمین گردید. همچنین، ثبت دقیق فرایند تحلیل⁹ برای شفافیت انجام شد. این اقدامات با استانداردهای کیفی تحلیل لایه‌ای علی و پژوهش‌های مشابه همخوانی دارد (عنایت‌اله، 2017؛ بیشاپ و دزیدیک، 2014).

¹. theoretical saturation

². Malterud et al

³. Saunders et al

⁴. purposive sampling

⁵. validity

⁶. triangulated sources

⁷. member checking.

⁸. reliability

⁹. audit trail

این روش‌شناسی، با تمرکز بر عمق و تحول‌آفرینی، امکان تحلیل ریشه‌ای نقش خانواده و مدرسه را فراهم کرد و پایه‌ای محکم برای پیشنهادات سیاستی ایجاد نمود.

یافته‌ها

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با 32 مشارکت‌کننده (10 والد، 8 معلم، 7 مشاور مدرسه و 7 دانش‌آموز متوسطه از شهر همدان) نشان می‌دهد که انحرافات رفتاری دانش‌آموزان در عصر فضای مجازی، پدیده‌ای چندلایه و عمیقاً ریشه‌دار در تعاملات خانوادگی، آموزشی و فرهنگی است. مشارکت‌کنندگان با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند تا دیدگاه‌های متنوع والدین، معلمان، مشاوران و دانش‌آموزان پوشش داده شود. روایت‌های آن‌ها، غنی از تجربیات زیسته، امکان کاوش لایه‌های مختلف را فراهم کرد. اگرچه نمونه از یک شهر انتخاب شده، الگوهای استخراج‌شده بازتاب‌دهنده چالش‌های رایج در بافت‌های اجتماعی و فرهنگی ایران معاصر است. تحلیل بر اساس چهار لایه تحلیل لایه‌ای علی انجام شد و نقش محوری خانواده و مدرسه را در تمام لایه‌ها برجسته ساخت.

در سطح لیتانی، بازنمایی انحرافات رفتاری عمدتاً در قالب گفتمان‌های روزمره، احساسی و داورانه صورت می‌گیرد؛ گفتمان‌هایی که بر علائم ظاهری تمرکز دارند و اغلب با اضطراب و ترس فرهنگی همراه‌اند. مشارکت‌کنندگان، به ویژه والدین و معلمان، انحرافات را به عنوان بحران فوری و غیرقابل کنترل توصیف کردند. عباراتی مانند «بچه‌ها کاملاً در گوشی غرق شده‌اند»، «پرخاشگر و بی‌ادب شده‌اند»، «درس نمی‌خوانند و شب‌ها خواب ندارند» یا «ارتباط با خانواده قطع شده»، بارها تکرار شد و به انحرافات مانده اعتیاد به فضای مجازی، پرخاشگری آنلاین و آفلاین، افت تحصیلی و انزوای اجتماعی اشاره داشت.

یکی از والدین (مادر یک دانش‌آموز دختر) با نگرانی عمیق گفت: «دخترم قبلاً کتاب می‌خواند و با ما حرف می‌زد، حالا تمام روز در اینستاگرام و تلگرام است. عصبانی می‌شود، با کوچک‌ترین حرفی بحث می‌کند و نمراتش خیلی پایین آمده. انگار فضای مجازی او را از ما گرفته و به یک آدم عصبی تبدیل کرده.»

معلمی با بیش از 20 سال تجربه افزود: «در کلاس، دانش‌آموزان تمرکز کافی ندارند؛ ذهنشان بیشتر درگیر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است. پرخاشگری‌شان زیاد شده، به معلم احترام نمی‌گذارند و در محیط‌های آنلاین علیه هم توهین می‌کنند. مدرسه دیگر کنترلی بر این وضعیت ندارد.»

مشاور مدرسه‌ای نیز روایت کرد: «والدین مضطرب می‌آیند و می‌گویند فرزندشان شب‌ها تا صبح بیدار است، به بازی‌های آنلاین معتاد شده، ارتباطات واقعی‌اش قطع شده و حتی گرایش به رفتارهای پرخطر پیدا کرده. مدرسه هم دیگر نمی‌تواند کاری کند.»

این روایت‌ها سطح لیتانی را به عنوان بازتابی از هراس نسل بزرگسال از تغییرات سریع دیجیتال نشان می‌دهد و مسئله را بدون کاوش ریشه‌ای، به فناوری نسبت می‌دهد.

در سطح علل نظام‌مند، روایت‌ها به ساختارهای اجتماعی و نهادی ناکارآمد اشاره دارند که انحرافات را تسهیل می‌کنند. مشارکت‌کنندگان بر ضعف نظارت خانوادگی، کمبود گفت‌وگوی بین‌نسلی و ناتوانی مدرسه در پاسخ به نیازهای دیجیتال تأکید کردند. خانواده‌ها اغلب از سبک‌های فرزندپروری غفلت‌آمیز یا بیش‌ازحد محدودکننده سخن گفتند که نظارت مؤثری ایجاد نمی‌کند.

یکی از والدین گفت: «می‌خواهیم گوشی را بگیریم، اما دعوا می‌شود. خودمان سواد کافی برای نظارت نداریم و بچه‌ها می‌گویند شما نمی‌فهمید. در نهایت، او تنها در فضای مجازی است و ما نمی‌توانیم کمک کنیم.» معلمان و مشاوران به بحران مدرسه پرداختند: عدم برنامه‌ریزی برای آموزش سواد رسانه‌ای، تمرکز بر روش‌های سنتی و از دست رفتن روابط حمایتی در دوران آموزش مجازی. معلمی اظهار داشت: «در کرونا همه چیز مجازی شد بدون آمادگی؛ حالا دانش‌آموزان احساس می‌کنند مدرسه بی‌ربط است و به فضای مجازی پناه می‌برند. ابزار تربیتی ما برای این دنیا کافی نیست.»

این لایه نشان می‌دهد انحرافات محصول ساختارهای ضعیف خانوادگی و آموزشی است که نیاز به اصلاح سیستمی دارد. در لایه جهان‌بینی و گفتمانی، تقابل دو گفتمان اصلی آشکار شد: گفتمان سنتی (جمع‌گرایی، احترام به والدین و معلمان، تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و خانوادگی) در برابر گفتمان دیجیتال (فردگرایی، آزادی بیان، خودابرازی و ارتباط فرامرزی). گفتمان سنتی، غالب در والدین و معلمان، فضای مجازی را تهدیدی برای انسجام فرهنگی می‌بیند. معلمی گفت: ارزش‌های ما خانواده و مدرسه را محور تربیت می‌داند، اما این شبکه‌ها بچه‌ها را فردگرا کرده، حرف‌شنوی را از بین برده و به محتوای نامناسب دسترسی می‌دهند.»

دانش‌آموزان اما فضای مجازی را فرصتی برای آزادی می‌دانند. یکی از دانش‌آموزان پسر اظهار داشت: «در فضای مجازی می‌توانم نظرم را آزادانه بگویم، با دوستان واقعی ارتباط داشته باشم و خودم باشم. خانواده و مدرسه فقط کنترل می‌کنند و نمی‌فهمند ما در چه دنیایی هستیم.»

این تقابل، شکاف نسلی عمیقی ایجاد کرده و انحرافات را نتیجه عدم هم‌خوانی گفتمان‌ها می‌سازد. در لایه اسطوره/استعاره، که عمیق‌ترین سطح تحلیل لایه‌ای علی را تشکیل می‌دهد، باورهای ناخودآگاه فرهنگی و نقشه‌های شناختی پنهان جامعه آشکار می‌شوند. این لایه، فراتر از گفتمان‌های آگاهانه، به استعاره‌هایی می‌پردازد که همچون اسطوره‌های مدرن، رفتارها، ادراک‌ها و روابط اجتماعی را به طور ناخودآگاه شکل می‌دهند. تحلیل روایت‌های مشارکت‌کنندگان سه استعاره غالب و متقابل را نمایان ساخت که هر یک، بازتاب‌دهنده تنش‌های بنیادین میان سنت و دیجیتال‌سازی در جامعه ایرانی است.

نخست، دانش‌آموز به مثابه "قربانی طوفان دیجیتال" یا "جستجوگر آزادی ممنوعه": در روایت‌های والدین، معلمان و مشاوران، دانش‌آموز اغلب به عنوان قربانی بی‌دفاع یک طوفان سهمگین دیجیتال تصویر می‌شود؛ موجودی منفعل که محتوای مخرب، الگوریتم‌های اعتیادآور و فشار همسالان مجازی او را بلعیده و از مسیر تربیت سنتی منحرف کرده است. این استعاره، ریشه در اسطوره‌های کهن قربانی شدن نسل جوان دارد و دانش‌آموز را فاقد فاعلیت می‌بیند. در مقابل،

دانش‌آموزان خود را «جستجوگر آزادی ممنوعه» توصیف می‌کنند؛ قهرمانی که در دریای مجازی به دنبال هویت مستقل، بیان آزاد و ارتباطات فرامرزی است - آزادی‌ای که در ساختارهای سنتی خانواده و مدرسه محدود شده. این دوگانگی استعاری، تضاد عمیق معرفت‌شناختی را نشان می‌دهد و رفتارهای انحرافی را به عنوان نتیجه این کشمکش ناخودآگاه تبیین می‌کند.

دوم، خانواده به مثابه "نگهبان خسته در برابر موج فناوری": خانواده در بسیاری از روایت‌ها به عنوان نگهبانی تصویر می‌شود که زمانی اقتدار کامل داشت، اما اکنون در برابر موج خروشان دیجیتال خسته، ناتوان و فاقد ابزارهای نوین شده است. این استعاره، بحران مرجعیت والدینی را بازتاب می‌دهد و خانواده را میان حضور عاطفی و غیاب عملی معلق می‌سازد؛ نهادی که می‌خواهد حفاظت کند، اما از درک زیست‌جهان دیجیتال فرزند عاجز است.

سوم، مدرسه به مثابه "قلعه‌ای منزوی در دریای مجازی": مدرسه به عنوان قلعه‌ای کهن و استوار، اما جدا افتاده از جریان زندگی واقعی دانش‌آموزان توصیف شد؛ مکانی ایزوله که دیوارهایش در برابر دریای بی‌کران دیجیتال بی‌فایده شده و نمی‌تواند هدایت، حمایت یا حتی ارتباط معنادار برقرار کند. این استعاره، از دست رفتن کارکرد تربیتی مدرسه را در عصر دیجیتال برجسته می‌سازد.

این استعاره‌ها، به عنوان نقشه‌های ناخودآگاه جمعی، نه تنها رفتارهای روزمره را شکل می‌دهند، بلکه مقاومت در برابر تغییر را نیز تقویت می‌کنند و تحول را دشوار می‌سازند.

جمع‌بندی یافته‌ها و سناریوهای آینده: یافته‌های پژوهش تأکید دارند که انحرافات رفتاری دانش‌آموزان پدیده‌ای چندلایه است و خانواده و مدرسه، به عنوان نهادهای اصلی جامعه‌پذیری، در تمام لایه‌ها نقش کلیدی اما عمدتاً ضعیف و ناکارآمد ایفا می‌کنند. برای دستیابی به تحول واقعی، بازسازی عمیق در تمام سطوح - از ساختارها تا باورهای اسطوره‌ای - ضروری است.

سه سناریوی آینده، به عنوان امکان‌های تحول‌آفرین، ترسیم می‌شود:

سناریوی تداوم بحران (تاریک): بدون مداخله ریشه‌ای، علائم لیتانی تشدید می‌شود؛ ساختارهای نظارتی ضعیف باقی می‌مانند، گفتمان سنتی حاکم می‌گردد و استعاره «قربانی طوفان دیجیتال» غالب می‌شود. انحرافات به بحران‌های گسترده روانی، افزایش پرخاشگری، انزوا و اختلالات تحصیلی منجر می‌گردد و شکاف نسلی عمیق‌تر شده، پایداری فرهنگی و اجتماعی را تهدید می‌کند.

سناریوی تطابق حداقلی (خاکستری): تغییرات سطحی مانند نظارت گاه‌به‌گاه والدین یا برنامه‌های پراکنده مدرسه‌ای اجرا می‌شود؛ انحرافات تا حدی کنترل می‌شود، اما لایه‌های عمیق دست‌نخورده می‌مانند. تضاد گفتمانی و مقاومت استعاری ادامه می‌یابد، شکاف نسلی پایدار می‌ماند و فرصت‌های مثبت فضای مجازی هدر می‌رود.

سناریوی تحول مثبت (مطلوب): بازسازی گفتمان از کنترل به همراهی بین‌نسلی؛ برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده برای والدین و مشاوران به منظور ارتقای سواد رسانه‌ای و مهارت‌های ارتباطی، برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی معلمان برای ادغام فناوری در تربیت، و بهره‌گیری از رسانه‌های ملی برای ترویج فرهنگ دیجیتال مثبت و ارزش‌محور. استعاره‌ها

تحول می‌یابد (دانش‌آموز به جستجوگر هدایت‌شده، خانواده به همراه آگاه، مدرسه به پل اتصال) و انحرافات کاهش می‌یابد، با بهره‌برداری خلاقانه و معنادار از فضای مجازی در کنار حفظ ارزش‌های فرهنگی. این سناریوها، با تمرکز بر لایه‌های عمیق، امکان حرکت آگاهانه به سوی آینده‌ای مطلوب را فراهم می‌کنند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل لایه‌ای علی، به بررسی نقش خانواده و مدرسه در انحرافات رفتاری دانش‌آموزان ایرانی در عصر فضای مجازی پرداخت. یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل روایت‌های 32 مشارکت‌کننده (والدین، معلمان، مشاوران مدرسه و دانش‌آموزان) نشان داد که این انحرافات - شامل اعتیاد به فضای مجازی، پرخاشگری سایبری و آفلاین، افت تحصیلی و کاهش ارتباطات واقعی - پدیده‌ای چندلایه است که فراتر از علائم سطحی، ریشه در ساختارهای اجتماعی، تضادهای گفتمانی و باورهای اسطوره‌ای دارد. این یافته‌ها نه تنها با مبانی نظری پژوهش همخوانی کامل دارند، بلکه خلأهای شناسایی‌شده در پیشینه تحقیق را پر کرده و تمایز روش‌شناختی این مطالعه را برجسته می‌سازند.

در سطح لیتانی، روایت‌های مشارکت‌کنندگان بازتاب‌دهنده گفتمان عمومی پر از اضطراب و داورانه بود که انحرافات را به «تهاجم فضای مجازی» تقلیل می‌دهد. این لایه با نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (1977) و مدل تحول روابط همسالان دیجیتال نسی و همکاران (2018) همخوانی دارد، جایی که تقویت‌های فوری دیجیتال و مشاهده مدل‌های انحرافی، رفتارهای پرخطر را تسهیل می‌کنند. همچنین، با پیشینه تحقیق داخلی (مانند صالحی منظری، 1401؛ عبادی و همکاران، 1400) و خارجی (لوزانو و همکاران 2021) سازگار است که شیوع بالای اعتیاد و پرخاشگری سایبری را گزارش کرده‌اند، اما اغلب به توصیف سطحی بسنده نموده‌اند.

در لایه علل نظام‌مند، ضعف نظارت خانوادگی، کمبود سواد رسانه‌ای والدین و ناکارآمدی مدرسه در دوران پساکرونا برجسته شد. این یافته مستقیماً با نظریه سیستم‌های اکولوژیکی برونفنبرنر (2005) ارتباط دارد که رفتار را نتیجه تعاملات میکروسیستم خانوادگی و مدرسه‌ای می‌داند. پیشینه تحقیق نیز این ضعف‌های ساختاری را تأیید می‌کند (ساتوار و همکاران، 2019؛ چگینی و همکاران، 2022 و شیخی، 1402). اما پژوهش حاضر با کاوش عمیق‌تر، نشان داد که این ناکارآمدی‌ها نه تنها فردی، بلکه محصول تغییرات سیستمی مانند کوچ اجباری به آموزش مجازی هستند. لایه جهان‌بینی، تقابل گفتمان سنتی ایرانی-اسلامی (جمع‌گرایی و احترام به بزرگ‌ترها) با گفتمان دیجیتال مدرن (فردگرایی و آزادی بیان) را آشکار کرد. این تضاد با چارچوب پساساختارگرایی عنایت اله (2004) همخوانی دارد که جهان‌بینی‌ها را عامل پنهان رفتارها می‌داند. پیشینه تحقیق کمتر به این لایه پرداخته بود، اما یافته‌های ما با مطالعات فرهنگی در جوامع در حال گذار (رودیونووا و شواچکینا، 2020) سازگار است و شکاف نسلی را به عنوان موتور اصلی انحرافات تبیین می‌کند.

در عمیق‌ترین لایه، استعاره‌های «قربانی طوفان دیجیتال/جستجوگر آزادی ممنوعه»، «نگهبان خسته» برای خانواده و «قلعه منزوی» برای مدرسه، باورهای ناخودآگاه را نمایان ساخت. این استعاره‌ها، که رفتارها را شکل می‌دهند، با کاربردهای تحلیل لایه‌ای علی در مسائل اجتماعی ایران (مهرالحسنی و همکاران، 2019؛ رستمی و همکاران، 2020) همخوانی دارند و نشان می‌دهند انحرافات نه تنها ساختاری، بلکه ریشه در اسطوره‌های فرهنگی دارند.

سناریوهای آینده (تداوم بحران، تطابق حداقلی و تحول مثبت) نیز با مبانی نظری تحلیل لایه‌ای علی همسو هستند که تأکید بر ساخت آینده‌های جایگزین از طریق تحول لایه‌های عمیق دارد. سناریوی تاریک، ادامه وضعیت موجود را پیش‌بینی می‌کند؛ خاکستری، تغییرات سطحی را؛ و مطلوب، تحول از طریق بازسازی گفتمان و توانمندسازی نهادی را. این سناریوها تمایز پژوهش را نشان می‌دهند، زیرا پیشینه تحقیق اغلب به تحلیل وضعیت موجود بسنده کرده و کمتر به آینده‌نگاری پرداخته است.

در مجموع، پژوهش حاضر با ادغام نظریه‌های یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی، اکولوژیکی و تحلیل لایه‌ای علی، چارچوبی جامع برای درک انحرافات ارائه داد و خلأ تحلیل چندلایه‌ای در پیشینه را پر کرد. یافته‌ها تأیید می‌کنند که خانواده و مدرسه، به رغم نقش محوری، در حال حاضر ناکارآمد عمل می‌کنند و بدون تحول عمیق، انحرافات تشدید خواهد شد.

پیشنهادهای اجرایی و راهکارهای سیاستی

با توجه به یافته‌های پژوهش که نقش محوری اما ناکارآمد خانواده و مدرسه را در تمام لایه‌های انحرافات رفتاری دانش‌آموزان نشان داد، پیشنهادات زیر با تمرکز بر تحول عمیق لایه‌ها و واقعیت‌های نظام آموزشی و فرهنگی ایران تدوین شده‌اند.

1- تقویت نقش خانواده: برگزاری کلاس‌های منظم و مستمر آموزش سواد رسانه‌ای، مهارت‌های ارتباطی و فرزندپروری دیجیتال برای والدین و مشاوران خانواده در سطح محلی (مراکز مشاوره وابسته به بهزیستی و آموزش و پرورش) و ملی (از طریق سامانه‌های آنلاین). این برنامه‌ها باید بر جایگزینی نظارت سختگیرانه با «نظارت همراه» و تقویت گفت‌وگوی بین‌نسلی تمرکز کنند تا شکاف گفتمانی کاهش یابد. همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد، مساجد و شوراهای محلی می‌تواند دسترسی را در مناطق مختلف افزایش دهد و والدین را به عنوان نخستین خط پیشگیری توانمند سازد.

2- توانمندسازی مدرسه: بازنگری بنیادین برنامه درسی ملی با ادغام سواد رسانه‌ای به عنوان درس اجباری از دوره متوسطه اول، همراه با آموزش ضمن خدمت معلمان برای استفاده خلاقانه و تربیتی از فناوری (مانند پلتفرم‌های داخلی شاد و آپارات آموزشی). ایجاد برنامه‌های مشارکتی دانش‌آموز-معلم-والد، مانند جلسات منظم شورای کلاس دیجیتال و کارگاه‌های مشترک، برای مدیریت رفتارهای مجازی و شناسایی زودهنگام انحرافات ضروری است. مشاوران مدارس نیز باید دوره‌های تخصصی روانشناختی دیجیتال ببینند تا نقش هدایت‌گر مؤثرتری ایفا کنند.

3- سیاست‌گذاری ملی: بهره‌گیری گسترده از رسانه‌های ملی (صدا و سیما، شبکه‌های اجتماعی داخلی و پلتفرم‌های آموزشی) برای تولید و پخش کمپین‌های آگاهی‌بخشی مستمر در مورد خطرات (اعتیاد، پرخشگری سایبری) و

فرصت‌های فضای مجازی (یادگیری، خلاقیت)، تولید محتوای ارزش‌محور بومی با مشارکت کارشناسان دینی و روانشناختی، همراه با تدوین سیاست‌های حمایتی برای دسترسی برابر به اینترنت پرسرعت و ابزارهای دیجیتال در مناطق محروم و روستایی، می‌تواند نابرابری‌های ساختاری را کاهش دهد.

4- مداخلات مشترک و پیشگیرانه: توسعه بسترهای ملی مشترک خانواده-مدرسه (مانند نرم‌افزارهای نظارت مشارکتی امن و بومی) و اجرای برنامه‌های روانشناختی پیشگیرانه در مدارس با همکاری وزارت آموزش و پرورش و سازمان نظام روانشناسی. این مداخلات باید شامل غربالگری دوره‌ای رفتارهای دیجیتال و حمایت‌های مشاوره‌ای رایگان برای خانواده‌های در معرض خطر باشد.

این راهکارها، با تمرکز بر تحول لایه‌های ساختاری، گفتمانی و اسطوره‌ای، امکان حرکت به سناریوی مطلوب را فراهم می‌کنند و می‌توانند به عنوان پایه‌ای عملی برای سیاست‌گذاری‌های آموزشی، فرهنگی و رفاهی در ایران مورد استفاده سیاست‌گذاران قرار گیرند.

منابع مالی این پژوهش هیچ‌گونه حمایت مالی از نهادهای دولتی، خصوصی یا بین‌المللی دریافت نکرده است و کاملاً به صورت شخصی و بدون بودجه خارجی انجام شده است.

سهم نویسندگان نویسنده مسئول (شما) تمام مراحل پژوهش شامل طراحی مطالعه، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل، نگارش و ویرایش مقاله را بر عهده داشته است.

تعارض منافع نویسنده هیچ تعارض منفعی (مالی یا غیرمالی) ندارد. همکاری با مدارس برای جمع‌آوری داده‌ها صرفاً به صورت علمی و داوطلبانه بوده و هیچ‌گونه منفعت مالی یا شغلی در میان نبوده است.

تشکر و قدردانی از تمام دانش‌آموزان، والدین، معلمان و مشاوران مدرسه‌ای که در شهر همدان در مصاحبه‌ها شرکت کردند صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین از مدیران و کارکنان مدارس همکار که زمینه انجام مصاحبه‌ها را فراهم کردند، قدردانی می‌نمایم. سپاس ویژه دارم از همکاران دانشگاه فرهنگیان که در مراحل مختلف با نظرات ارزشمند خود راهنمایی کردند.

احمدنژادکنگی، علی؛ حمیدانی، طاهره (1398). «بررسی تاثیر آسیب‌های فضای مجازی بر سلامت روانی دانش‌آموزان»، کنفرانس ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد دستاوردها نوین در علوم تربیتی و رفتاری «از نگاه معلم»، میناب .

جابری، فرزانه؛ پردل، سمیه؛ فلاح هکی، فیروزه؛ طاهری، روح‌اله (1402). «اعتیاد دانش‌آموزان به فضای مجازی و مخاطرات آن برای جامعه»، دهمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت، بندرعباس .

خانجانی، مهدی ، قنبری، فرشته و نعیمی، ابراهیم . (1398). بررسی ارتباط کارکرد خانواده، سبک دلبستگی و سبک‌های تربیتی والدین با اعتیاد به اینترنت در نوجوانان .فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دوره (10)، شماره (37)، صص 121-142.

شیخی، سمیه (1402). «آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان در فضای مجازی»، ششمین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان .

خسروی، زهرا، علیزاده صحرائی، ام‌هانی؛ (1390). «رابطه اعتیاد به اینترنت با عملکرد خانواده و سلامت روان در دانش‌آموزان»، *مطالعات روانشناسی تربیتی (سیستان)*، (پاییز و زمستان)، شماره (14)، صص 59-80.

صالحی منطری، محمد (1401). «بررسی اثرات اعتیاد به فضای مجازی بر عملکرد تحصیلی، رفتاری و سلامت روان‌شناختی دانش‌آموزان»، پانزدهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم اجتماعی و تربیتی، بابل .

عبادی، متینه؛ روشنی خیای، علیرضا؛ کاظمی، سلیم؛ عینی، ساناز؛ رضایی ملاجق، رسول (1400). «اعتیاد به فضای مجازی در دانش‌آموزان: نقش پیش‌بین از خودبیگانگی تحصیلی و آشفتگی روانشناختی»، فصلنامه روان‌شناسی مدرسه، 10، 2.

فرقانی، محمدمهدی؛ خدامرادی، یاسین (1398) «نقش سواد رسانه‌ای در تعدیل اعتیاد اینترنتی (مطالعه موردی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم چهارمحال و بختیاری)»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، دوره (20) شماره (45)، صص 85-102.

Akbari, M., et al. (۲۰۲۳) Potential risk and protective factors related to problematic social media use among adolescents in Iran: A latent profile analysis. *Addictive Behaviors*, ۱۴۶, ۱۰۷۸۰۲.

Bandura, A. (۱۹۷۷) *Social Learning Theory*. Prentice Hall.

Bishop, B. J.; Dzidic, P. L. (۲۰۱۴) Dealing with wicked problems: Conducting a causal layered analysis of complex social psychological issues. *American Journal of Community Psychology*, ۵۳(۱-۲), ۱۳-۲۴.

Boer, M., et al. (۲۰۲۰) Adolescents' Intense and Problematic Social Media Use and Their Well-Being in ۲۹ Countries. *Journal of Adolescent Health*, ۶۶(۶S), S۸۹-S۹۹.

Bronfenbrenner, U. (۲۰۰۵) *Making Human Beings Human: Bioecological Perspectives on Human Development*. Sage.

Chegeni, M., et al. (۲۰۲۲) Prevalence and motives of social media use among the Iranian population. *Journal of Preventive Medicine and Hygiene*.

Domoff, S. E., et al. (۲۰۱۹) *The Psychology of Problematic Media Use in Children and Adolescents*. *Current Opinion in Psychology*.

- Harsej, Z.; Mokhtari Lakeh, N.; Sheikholeslami, F.; Kazemnezhad Leili, E.** (۲۰۲۱) Internet addiction and its relationship with family functioning in high school students. *Journal of Holistic Nursing and Midwifery*, ۳۱(۱), ۲۵-۳۵.
- Hirschi, T.** (۱۹۹۹) *Causes of Delinquency*. University of California Press.
- Inayatullah, S.** (۱۹۹۸) Causal layered analysis: Poststructuralism as method. *Futures*, ۳۰(۸), ۸۱۵-۸۲۹.
- Inayatullah, S.** (۲۰۰۴) *The Causal Layered Analysis (CLA) Reader: Theory and Case Studies*. Tamkang University Press.
- Inayatullah, S.** (۲۰۱۷) Causal Layered Analysis: A Four-Level Approach to Alternative Futures. *Journal of Futures Studies*.
- Jahangiri, J.; Fattahi, S.** (۲۰۱۷) The Application of Causal Layered Analysis to Deconstruct the Present Conditions of Media and Politics in Iran. *ResearchGate*.
- Lebni, J. Y., et al.** (۲۰۲۲) Identification of the opportunities and threats of using social media among Iranian adolescent girls. *Frontiers in Psychology*.
- Lee, B. H.** (۲۰۱۸) Explaining cyber deviance among school-aged youth. *Child Indicators Research*, ۱۱(۲), ۵۶۳-۵۸۴.
- Lozano-Blasco, R., et al.** (۲۰۲۱) Adolescent Deviance and Cyber-Deviance: A Systematic Literature Review. *Deviant Behavior*.
- Malterud, K., et al.** (۲۰۱۶) Sample Size in Qualitative Interview Studies. *Qualitative Health Research*.
- Mehrolhassani, M. H., et al.** (۲۰۱۹) Finding the reasons of decrease in the rate of population growth in Iran using causal layered analysis (CLA) method. *Medical Journal of the Islamic Republic of Iran*.
- Mohammad Effatpanah, et al.** (۲۰۲۰) Association of Internet Addiction with Emotional and Behavioral Characteristics of Adolescents. *Iranian Journal of Psychiatry*.
- Nesi, J., et al.** (۲۰۱۸) Transformation of Adolescent Peer Relations in the Social Media Context. *Clinical Child and Family Psychology Review*.
- Ostovar, S., et al.** (۲۰۱۹) Internet addiction and its psychosocial risks among Iranian adolescents and young adults. *Journal of Behavioral Addictions*.
- Rahimi, Leili** (۲۰۲۴) Adolescent Family Dynamics and the Role of Social Media in Shaping Relationships. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*.
- Raney, J., et al.** (۲۰۲۳) Risk Factors for Problematic Social Media Use in Youth. *Adolescent Research Review*.
- Rezaei, et al.** (۲۰۲۳) Potential risk and protective factors related to problematic social media use among adolescents in Iran. *Addictive Behaviors*.
- Rodionova, V. I.; Shvachkina, L. A.** (۲۰۲۰) *Transformation of Social Deviations of Teenagers in the Conditions of Digitalization of Modern Society*. Atlantis Press.
- Rostami, M., et al.** (۲۰۲۰) Call for new stories: Exploring the etiology of suicide in Iran (Causal layered analysis). *Medical Journal of the Islamic Republic of Iran*.

Saunders, B., et al. (۲۰۱۸) Saturation in qualitative research: exploring its conceptualization and operationalization. *Quality & Quantity*.

Steinberg, L. (۲۰۱۰) A dual systems model of adolescent risk-taking. *Developmental Psychobiology*, ۵۲(۳), ۲۱۶-۲۲۴.

Throuvala, M. A., et al. (۲۰۱۹) School-based Prevention for Adolescent Internet Addiction. *Current Addiction Reports*.

Udris, R. (۲۰۱۶) Cyber Deviance among Adolescents and the Role of Family, School, and Neighborhood: A Cross-National Study. *International Journal of Cyber Criminology*.

Wang, M.; Zhang, H. (۲۰۲۰) School-Based Intervention for Preventing Problematic Internet Use in Adolescents: A Scoping Review. *Research on Social Work Practice*.